

فراوانی در این زمینه برپا گردیده است. در این میان، در بین نوشتارهای پارسی، کتاب نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، اثر یان آرت شولت (Jan Aart Scholte) یکی از تازه‌ترین آثار است.<sup>۱</sup> بیشتر این کتابها از جمله اثر فوق به پدیده جهانی شدن، تاریخچه آن، عمل جهانی شدن، تغییر و تداوم، تأثیرات بیرونی اش، جامعه، سیاست گذارها، دموکراسی، عدالت و غیره می‌پردازد و به صورت توصیفی به تشریح این شرایط و گهگاه عمل و عوامل اشاره دارند.

## سایه جهانی شدن، برخوردهای قومی و جنگهای نوین: اقتصاد سیاسی جنگهای درون کشوری

Dietrich Jung (ed.), *Shadow Globalization, Ethnic Conflicts and New Wars: A Political Economy of Intra-State War*, New York: Routledge, 2003, 196 pages.

در کتاب دیگری به نام کلیاتی پیرامون جهانی شدن که نوشته‌ای نسبتاً تازه است؛ نویسنده با بهره‌گیری از منابع انگلیسی به آفرینش کتاب پرداخته است.<sup>۲</sup> نویسنده، ضمن طرح بحث جهانی شدن و میزان حساسیت آن در زمان کنونی، آورده است که بسیاری از متفکران و اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاست در این رابطه به ارایه نگرشهای خود پرداخته، نشانه بارز جهانی شدن را در یکسان سازی فرهنگی و ادغام اقتصادی در گستره گیتی دانسته‌اند. کتاب کلیاتی پیرامون جهانی شدن نیز به

دکتر ناصر فرشاد گهر  
معاون پژوهشکده امور اقتصادی و  
استادیار دانشکده امور اقتصادی

در سالهای اخیر، نوشتارهای پرشماری در پیوند با جهانی شدن نگاشته شده است. در درون و برون از کشورمان، سمینارهای

تعاریف و ریشه‌یابیهای تاریخی آمریکایی شدن، هژمونی آمریکا، نئومارکسیست‌ها و جهانی شدن، اقتصاد ملی و فرآیند جهانی شدن، یکسان‌سازی فرهنگی، فن آوری اطلاعاتی، جهانی شدن و باورهای دینی و فرجام جهانی شدن و پیامدهای آن اشاره‌های گذرایی داشته است. لیکن کتابی که ویرایش آن توسط دیترش یونگ (Dietrich Jung) صورت پذیرفته و با نام سایه جهانی شدن به زیور قلم آراسته شده است، از دریچه و دیدگاه نوین تری به واکاوی پرسمانهای جهانی شدن می‌پردازد. این کتاب در واقع، پاسخ به پرسشهایی چون برخورد‌های نظامی، جریان اقتصاد بین‌المللی و جنایات سازمان یافته در پی جنگ سرد است. کتاب کنونی به جای آن که در مورد ستیزه‌ها و جنگهای جاری کاوش نماید، آن را در پیوند با هویت و نژاد و نیز اقتصاد جنگهای درون‌کشوری بررسی می‌کند.

در برابر پندارهای عمومی که جنگهای میان‌کشوری را با ویژگیهای سنتی می‌شناسند؛ هدف نویسندگان این اثر آن است که مناسبات پیچیده درونی میان

نیروهای محلی، منطقه‌ای و جهانی را که برپاکنندگان آن برخورد‌های نژادی و جنگهای داخلی است؛ به تحلیل کشانده و از همین روست که اثر کنونی، مشارکت مناسبی است در راستای درک جهان پس از حادثه سپتامبر سال ۲۰۰۱.

بخش بندی کتاب به ابعاد محلی، منطقه‌ای و جهانی پلی پیروزمند است که اهداف کتاب را امکان پذیرتر می‌سازد. به شیوه‌ای گذرا، بخش نخست کتاب به نگره برجسته دولت‌سازی و پیوند آن با جنگها اشاره می‌کند. در بخش دوم به آزمون این نکته می‌پردازد که چگونه سیاستهای بین‌المللی صلح‌سازی و نیز اجرای صلح تحت تأثیر واقعیتهای محلی - به ویژه شمال عراق - قرار می‌گیرد. در بخش سوم کتاب با مطالعه موردی لبنان، یوگسلاوی سابق و سومالی به واکاوی این نکته پرداخته می‌شود که برنامه‌ها و خط‌مشیهای بازسازی و مجازات - که توسط قدرتهای بزرگ به اجرا در می‌آیند و هدفشان ایجاد دموکراسی و ساختارهای بازاری مناسب است - ظاهراً در راستای محدود کردن جنگ و برپایی صلح بوده است. در این

بخش، پژوهشگران بر این باورند که فرآیند یاد شده، موجب شکل مافیایی اقتصاد، جنگ سالاری، پایاشدن جنگها و غیره می شود.

در حقیقت، گمانه بنیانی گردآورندگان کتاب این است که فضای جهانی، موجب بروز جنگهای نوین و تطویل جنگهای درون و برون کشوری است و تشنجات محلی را سازمان می دهد. آنها جنگهای درون کشوری را در پیوند با اقتصاد جهانی و نظام سیاسی جهان دانسته اند. همانگونه که اشاره شد، کتاب، با همکاری دانشوران چندی پدید آمده است. پیش از بررسی فهرست و درونمایه کتاب به آشنایی با نویسندگان خواهیم پرداخت:

دیتـریش یونگ (Dietrich Jung) اندیشمند سیاسی در مطالعات اسلامی که کارشناس ارشد مؤسسه پژوهشی تحقیقات صلح کپنهاگ و استادیار مدعو دانشگاه Aathus است. او در دانشگاههای هامبورگ و Bilkent در ترکیه تدریس کرده است و آثاری در زمینه جامعه شناسی جنگ، مدرنیزاسیون ترکیه و جنگهای خاورمیانه دارد.

یورگن اندرس (Jurgen Endres)

استادیار دانشگاه لایپزیک، (مؤسسه مطالعات خاورمیانه و خاورشناسی)

یواکیم گوندل (Joakin Gunddel) پژوهشگر مرکز هلند برای پژوهش در توسعه و مربی مدعو دانشگاه کپنهاگ (مرکز مطالعات آفریقا)

میکاییل روبرت (Michael Robert) دانشیار مرکز مطالعات ترکیه و آسیای مرکزی در بخش جنگ، کالج جنگ هوایی Maxwell در آلاباما.

میکاییل پوگ (Michael Pugh) مربی سیاست و روابط بین الملل در گروه علوم سیاسی دانشگاه پسمیوث انگلیس بوده و ضمناً مدیریت مرکز مطالعات بین المللی این دانشگاه را نیز به عهده دارد. وی سردبیر ژورنال بین المللی نگاهبانان صلح است.<sup>۲</sup>

کلاوس اشلیخت (Klaus Schlichte) مدیر پروژه تحقیقات بلندمدت سیاستهای خرد گروههای تسلیحاتی در بخش علوم اجتماعی دانشگاه هامبولت در برلین است. فرانسسکو استرازاری (Francesco Strazari)، دانشجوی دکترای علوم سیاسی در مؤسسه دانشگاهی اروپایی در فلورانس است.

هانس وان در وین (Hans T. van der Veen)، پژوهشگر مرکز تحقیقات مواد مخدر در آمستردام است. (CEDRO)

کتاب، شامل بخشهای زیر است:  
مقدمه: به سوی جنگهای داخلی جهانی (دیتریش یونگ)

بخش یکم: تئوریهای دولت سازی و جنگ افروزی مشروط؛ اقتصاد سیاسی جنگهای درون کشوری؛ رویارویی با یک پارادوکس تشکیل دولت و اقتصاد جنگهای درون کشوری.

بخش دوم: سیاستهای بازسازی و مجازات.

پشتیبانان و تباه کنندگان صلح - اقتصاد سیاسی اروپای شمال شرقی؛ واقعیتهای معوق: درک و شناخت تاریخی اقتصاد سیاسی شمال عراق؛ جنگ مواد مخدر در آفرینش بی نظمی جهانی؛

بخش سوم: موارد اقتصاد جنگی؛ بهره گیری از جنگ: عقلانیت اقتصادی و جنگ در لبنان؛

تصادم نژادی و تباری مافیایی: راه

بالکان برای دولت سازی؛ کمک به ساختار سازی تشنج، کمکهای بشردوستانه در سومالی؛ فرجام سخن: اقتصاد سیاسی، جنگ افروزی و دولت سازی در دنیای جهانی شده.

در مقدمه کتاب، ویراستار مجموعه به نکات ارزنده ای اشاره می کند: از جمله اقتصاد سیاسی جنگهای درون کشوری و چگونگی پیوند آن با پدیده دولت سازی، نگره های کانت در مورد رابطه میان بازار و صلح طلبی اجتماعی، مدل گرایش به جنگ و درگیری دولت مدرن با آن، نگره های Tilly و نگره های Kaldor در پیوند با پیدایش و چگونگی جنگهای مدرن که این مباحث از بنیادینترین نکات هستند. وی در مقدمه، به پویایی تجارت، تأثیر کمکهای خارجی، ایجاد ساختار سرمایه داری، پیدایش جنگ سالاری و جنگهای داخلی نیز می پردازد. ارزشمندترین نکته آغازین این کتاب، پرسشهایی است که در مورد ایده های گوناگون جنگ - به ویژه جنگهای داخلی و اقتصاد سیاسی کشورها - مطرح می شود. همان گونه که بیشتر نیز اشاره گردید گمانه

بنیانی این نوشتار آن است که پیوند میان اقتصاد جهانی، این نوع جنگها و دولت سازيها را اجتناب ناپذیر می داند. از آنجا که باختر زمین در شرایط مشابهی در جامعه بازاری و سرمایه داری استوار گردید، بر این پندارند که این مکانیسم در مورد کشورهای پیش صنعتی کارا می باشد. بدین ترتیب، جنگ سالاران در این نمونه از کشورها پا به عرصه می گذارند. افرادی که تنها به نگاهبانی و پایندگی نیروی نظامی می اندیشند و رابطه مدنی را با شهروندان قطع کرده اند. چنین گمانه هایی است که زمینه بررسی مواردی مانند کردستان عراق، جنگهای داخلی لبنان و سومالی را در این کتاب آماده می کند. به طور کلی، همان گونه که در پیشگفتار اشاره شد، کتاب، بررسی منسجمی است میان مفاهیم دولت سازی، توسعه و اقتصاد سیاسی بین الملل که در ابعاد سایه جهانی شدن به فرآیندهای نظامی و سیاسی می پردازد. به هر تقدیر، هرگاه بر آن باشیم که اشارات گذرایی بر درونمایه کتاب داشته و نکات ارزشمند را یاد نماییم، این گونه می توانیم مطالب را دنبال کنیم.

حمله یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، یعنی

حملات تروریستی در آمریکا و فروپاشی و انهدام مرکز تجارت جهانی، نقطه عطفی در رویدادهای جهانی بوده است. اکنون ناتو با وجود تمام گستردگی، خود را در یک نبرد همه جانبه در مرزهای فرهنگی، اقتصادی، سرزمینی، نظامی و غیره مشاهده می کند. شرایطی که القاعده و اسامه بن لادن به وجود آوردند، مرزهای جنگ را دگرگون کرده است. دیگر ارتشهای متعارف و توازن وحشت و مکانیسمها و تئوری روابط بین الملل سنتی، نمی تواند پاسخگوی این نمونه از رویدادها باشد. در پی جنگ جهانی دوم، اروپا و آمریکای شمالی، تقریباً در تجربیات جنگهای گوناگون درگیر بوده اند. علی رغم جنبشهای تروریستی در اسپانیا و ایرلند شمالی که نوعی نوین از نیروی باختر زمینی بود؛ سقوط خونین یوگسلاوی در پندار برخی از دانشوران نمایش اصلی جنگ و ستیز و جنگ سوم نامیده شد.

بیش از نود درصد از ۲۱۸ جنگی که در فاصله زمانی ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۱ به وقوع پیوست در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین و خاورمیانه، بوده است. بیشتر آنها جنگهای داخلی و نژادی بودند که با میانجی گری و

تلاش‌های سیاسی امکان پایان‌پذیری آنها اندک بوده است. در جنگ‌های درون‌کشوری علاوه بر جنگ اقوام‌ها، منابع قدرت مذهبی، نژادی و ایدئولوژیک نیز به تجهیز بیشتر آنها می‌پردازد. جنگ سالاری درون‌انها از گروه‌های مختلف، جنایتکاران سازمان‌یافته یا واحدهای امنیتی دولتی که مستقل عمل نموده و منافع اقتصادی و سیاسی خاصی دارند، ساخته شده است. توماس فریدمن، روزنامه‌نگار ارشد نیویورک تایمز نیز دوران کنونی را که باختر زمین با رادیکال‌های مذهبی روبه‌رو است جنگ سوم نامیده است.<sup>۲</sup> در مواردی چون افغانستان، میانمار، کامبوج، کلمبیا، لبنان، لیبیا، فلسطین، سومالی و یوگسلاوی سابق مردم سالها در معرض ترور، وحشت و انهدام بوده‌اند. در حالی که در باختر زمین، آزمون رشد ثروت و رفاه فردی و آزادی‌های مدنی تجربه می‌گردید.

در این میان، نیروی جهانی‌سازی میان رفاه دموکراتیک مردم و پیکارهای طول و دراز، فاصله ایجاد کرده است. نظم جهانی دو فضا و محدوده ایجاد نموده است. در فضای نخست، جنگ به عنوان یک ابزار

برخورد، تقبیح و ممنوع شده است و فضای حاکم کاملاً دموکراتیک است. فضای دوم، محدوده‌ای است که در آن قدرت سیاسی دائماً در ستیز می‌باشد. برتری و برخورد‌های نژادی و پیدایش جنگ‌های داخلی در این محدوده منشاء ایجاد نام‌گذاری جنگ‌های نوین شده است. در جهانی که آمریکا هدایت آن را به عهده دارد و بر علیه تروریسم مبارزه می‌کند، دو منطقه و فضای یادشده با یکدیگر متحد شده و نیروی امنیتی باختر زمین در برابر نوعی جنگ داخلی جهانی قرار گرفته‌اند. با نگرش به منطق اقتصادی جنگ‌های کنونی، یورش‌های تروریستی به آمریکا، نقطه عطف نبوده، بلکه نقطه اوج است. اقتصاد سیاسی جنگ‌های کنونی، نشانگر این است که در منطقه، صلح و جنگ به سختی به یکدیگر گره خورده‌اند. عینیت واقعی جهان دموکراتیک بدین مفهوم نیست که آنها با یکدیگر به نبرد نمی‌پردازند. آمریکا، انگلیس و فرانسه که به عنوان دموکراسی‌های مطلوب تلقی می‌گردند، از سال ۱۹۴۵، درگیر جنگ‌های متعدد بوده‌اند. علاوه بر آن، مطالعات موردی نشان می‌دهد که عراق، لبنان،

سومالی و یوگسلاوی سابق چگونه با ساختار قدرت بین‌المللی و تشنج درگیر بودند. این کشورها نشانه‌ای از مکانیسم بازسازی و مجازات هستند که توسط قدرتهای بزرگ به کار گرفته شده‌اند تا اینکه بتوانند ساختارهای بازار و دموکراسی را با فشار بر این نوع کشورها تحمیل نمایند. اقتصاد در فرم و سبک مافیایی جنگ‌سالاری جنگهای داخلی بلندمدت، بیشتر دستاورد غیر عمدی مداخلات بین‌المللی است.

اقتصاد سیاسی جنگهای درون‌کشوری چنین آشکار می‌نماید که میان نیروی بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی، یک رابطه درونی وجود دارد. آنچه در این رابطه اهمیت دارد کاهش و ساییدگی مشروعیتهای دولتی در برخورد با شروع عصر جهانی شدن است. بنابراین، هنگامی که در جهان صنعتی توسعه، رقابت اقتصادی جایگزین پیکار نظامی گردید؛ هنوز در بخش بزرگی از جهان این مفهوم، کاربردی نداشت. بدین ترتیب، به استثنای سرزمینهای شمال و صنعتی، جهانی شدن در پیرامون، مفهومی جز جنگی پایدار و اقتصاد سیاسی در پیوند با جنگ و فقدان

ساختهای بازاری و صلح‌آمیز نداشته است. این نوع جنگها، اصولاً مرتبط با بازارهای جهانی رسمی و غیررسمی، کمکه‌های بشر دوستانه، کمکه‌های نظامی خارجی، هدایا و کمکه‌های اجتماعات یهودی و وامهای سیاسی بین‌المللی بوده‌اند.

برپاکنندگان جنگ در محدوده ستیز و پیکار، هم می‌توانند محلی باشند و هم بازیگران اقتصاد جهانی و ملی که داراییهای خود را در محدوده و فضای صلح و دموکراسی سرمایه‌گذاری می‌کنند. تمایز اقتصادی میان اقتصاد رسمی و غیررسمی نامشخص بوده و این گونه مراکز مالی، پیوندی میان اقتصادهای جنگی و بازارهای لیبرال به شمار می‌آیند. حمله القاعده در یازدهم سپتامبر و در پی آن، کشف ساختارهای القاعده نشانگر این بود که با شروع این حرکتها، ساختار مالی یاد شده با چالشی نوین روبه‌رو است. در واقع، حمله القاعده، نه تنها اقتصاد، بلکه ابعاد سیاسی جنگ در برابر تروریسم را دگرگون کرده است. با بین‌المللی کردن قوانین ضد ترور، نهادهای سیاسی - اجتماعی کشورهای

دموکراتیک در هم پیچیده می شود و جالب اینکه نهادهای دموکراتیک آنها با استراتژیهای مقتدرانه کشورهای غیردموکراتیک ترکیب می شود. بدین ترتیب، همکاریهای نظامی در ائتلاف ضد ترور جهانی، هم سبب فرسایش تدریجی نهادهای دموکراتیک غرب شده و هم مانعی برای دولتهای دموکراتیک نوپا در جهان پیش صنعتی می شود.

اسامه بن لادن، سمبلی بود در راستای چنین جهانی شدنی که توصیف گردید و یورش بر آمریکا، نشانه ای در جهت مناسبات سیاسی - اقتصادی در محدوده جنگ و صلح است که اکنون از تشنج لبریز شده است. یازدهم سپتامبر در واقع، سرنوشت غیرقابل تقدیر جهانی بود. همانگونه که اشاره شد، کتاب سایه جهانی شدن از دو ارتباط مفهومی و تجربی میان اقتصاد و سیاست در عصر جهانی شدن و افزون بر آن، تمرکز بر تعاملات میان دولتها و سایه دولتها و نیز بازرگانی رسمی و غیررسمی در اقتصاد سیاسی جهان، سخن به میان آورده است. فصول متعدد کتاب فوق الذکر، بیشتر بر مبنای پژوهشهای

موردی (Case Study) پیش می رود؛ در حالی که می کوشد پلی میان تقسیمات محلی، منطقه ای و جهانی برقرار نماید.

در فراز نخست، بخش یکم کتاب، ایده های مفهومی و تئوریک لازم برای آزمون دگرگونیها در نظم سیاسی جهان و تأثیر آن بر انواع تشنجات دسته جمعی مطرح گردیده تا سپس پارادوکس اقتصاد سیاسی جنگ در فراز دوم بررسی گردد. فراز سوم، پرسشهای کلاسیکی را در مورد تعاملات میان جنگ و دولت سازی مطرح می کند. نویسنده این فراز کلاوس اشلیخت در ارزیابی پیامدهای جنگهای معاصر و تشکیل دولت، سه بعد مدیریت تشنج، توسعه ذهنیتهای دولتی (باورهای مربوط به دولت) و اشکال استخراج و پیدایش دولت از جامعه به دریافتهای گوناگونی رسیده است. کلاوس در پاسخ به پرسش تعاملات، به زمان تاریخی دولت سازی، ژرفای پویایی اجتماعی و فرآیند جهانی شدن اشاره می کند.

در بخش دوم کتاب، نگرش جهانی، چارچوبه اصلی را تشکیل می دهد و نویسندگان به ارزیابی اقتصاد سیاسی منطقه و جنگهای منطقه می پردازند. در



فراز نخست به این پرداخته می‌شود که چگونه سیاستهای بین‌المللی صلح‌سازی و اجرای صلح، تحت تأثیر واقعیت‌های محلی قرار دارند. با تحلیل مواردی مانند کوزوو و بوسنی توسط میکایل پوگ در فراز سوم، نمایان می‌شود که چگونه مقاصد و علایق گوناگون غربی، داخلی و بین‌المللی زمینه‌های مشترکی می‌یابند و کشورهای اروپای شرقی در قیمومیت‌های جدیدی قرار می‌گیرند. در ترکیب مقاومت و هماهنگ‌سازی با شرایط تحمیلی بین‌المللی، بازیگران محلی برای ایمن‌سازی شرایط جنگی و پشتیبانی از اقمارگرایی با فرآیندهای خصوصی‌سازی و «قوانین دست‌وپاگیر زدایی» دفاع می‌کنند.

میکایل پوگ به این نتیجه می‌رسد که نوعی ائتلاف غریب میان مداخله‌کنندگان خارجی و پیروزمندان در جنگ وجود دارد که نوعی همکاری ضد دولتی برای تخریب قوانین دولتی از زیر بنا تلقی می‌شود. میکایل روبرت در تلاشی مشابه در فراز چهارم، اشاره بر استراتژیهای شوم واشنگتن و سازمان ملل از طریق تحریم‌های اقتصادی تا سرنگونی رژیم صدام حسین در

عراق می‌نماید. او بر این باور است که این نوع مجازات اقتصادی و تمرکز آن بر اهداف کوتاه مدت نه تنها شکست خواهد خورد، بلکه زمینه را برای برخورداری درون‌دولتی که منابع ملی را پس از صدام حسین نیز هدر دهند، فراهم می‌سازد. در فراز پنجم، هانس-وان در-وین از دیدگاه مواد مخدر و ره‌آورد جنگ‌های جهانی، علایق و منافع اقتصادی-سیاسی کشورها و بازیگران غیردولتی را در ایجاد یک مجموعه سازمان یافته مواد مخدر «تولید، ترافیک و کنترل» مشارکت مواد مخدر و افزایش جنگ‌های درون‌کشوری مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم کتاب، شامل سه بررسی موردی است که بیانگر ترکیب درهم تنیده اقتصاد سیاسی جنگ‌های درون‌کشوری است. در فراز ششم، یورگن اندرس، میلشیشیای لبنانی را به عنوان پیشگام جنگ‌های درونی معرفی می‌کند. نویسنده به برپایی جنگ فعالیتهای اقتصادی سودآور در این کشور می‌پردازد. فرانسسکو استرازاری در فراز هشتم به نکاتی مانند درهم پیچیده شدن تنش‌های نژادی، اقتصاد جنگی مافیایی و الگوهای مبتنی بر تبانی و ساخت میان

احزاب گوناگون و میلیشیای این احزاب در یوگسلاوی سابق اشاراتی دارد. نویسنده به رنگ آمیزی تصویر پیچیده و سردرگم فعالیت‌های جنایی، اهمیت جغرافیای سیاسی راهها در بالکان و تغییرات قدرت به صورتی مبسوط می‌پردازد. در فراز هشتم، یواکیم گوندل مورد سومالی را بررسی می‌کند که چگونه کمک‌های بشر دوستانه خارجی به اقتصاد سومالی، به تشنج عمیق منجر می‌شود. در حالی که اهداف اساسی این کمک‌ها برای نجات جان انسانها می‌باشد، اما در واقع این کمک‌ها تنها به مردم سالاری می‌انجامد. در فراز پایانی، ویراستار کتاب به بررسی و ارزشیابی بخش‌های گوناگون اشاره نموده تا در یک چارچوب وسیع تری به تشکیل دولت مدرن بپردازد. در این فراز، میان جنگ‌های درون کشوری، ابعاد اقتصادی از این نمونه جنگ‌ها، پیدایش اقتصادی سیاسی در ممانعت از پیشرفت کشورهای در حال توسعه و رابطه میان جنگ افروزی و دولت‌سازیهایی مورد نظر پرداخته و اصطلاح جنگ‌های نوین را به کار می‌برد. در فرجام سخن، ویراستار چشم‌انداز جالبی از پیوند میان جهانی شدن و پیوستگی جهانی و متغیر جنگ‌های محلی را

نمایان می‌سازد. از همین دیدگاه، علل و تأثیرات جنگ‌های نوین، نه تنها به یک فضا محدود نمی‌شود، بلکه در برابر مرزهای سرزمینی کشورها نیز نمی‌شکنند. رویدادهای یازدهم سپتامبر چنین نکته‌ای را تأیید می‌کند. نکته بنیانی درس آموز کتاب، ارایه این فرضیه است که مفاهیم انحصاری از امنیت ملی، منسوخ می‌باشد. اقتصاد سیاسی، جنگ‌های درون سرزمینی و مبارزه علیه ترور در قرن بیست و یکم می‌بایست بر پایه سیاست‌های امنیتی جهانی باشد.

#### یادداشت‌ها:

۱. یان آرت شولت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، برگردان از مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲. عبدالله جاسبی، کلیاتی پیرامون جهانی شدن، تهران: دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۸۱.
3. *Journal of International Peace Keeping*
۴. روزنامه همشهری، ۲۴ شهریور ۱۳۸۲، شماره ۳۱۶۷، ص ۲۲.